



## زن در تاریخ معاصر (بررسی روند تغییرات ارزشهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زنان در تاریخ

معاصر)

ربابه فتحی

دانشجوی دکتری پیام نور

Fathie10@yahoo.com

ابراهیم فتحی

دانشگاه صدا و سیما

e.fathi25@gmail.com

### چکیده

زن مسلمان دارای حقوق انسانی از نظر حق مالکیت، ارث، تصمیم‌گیری و حق تعیین سرنوشت و انتخاب روش زندگی و نیز ازدواج بود. ولی بعد از رحلت پیامبر جامعه اسلامی دچار انحراف گشت و شیوه پیامبر در سطح اجتماعی رو به فراموشی رفته و برخی سنت‌های جاهلی رواج یافت. دوره امویان و عباسیان تیشه زدن به ریشه حیات انسانی زن آغاز گشت و تداوم یافت. (ایروانی، 1384: 44) و اینک زن مسلمان ایرانی در اثر بر خورد با فرهنگ غرب آن هم در سطح طبقات بالا و درباری ارزش‌های فراموش شده فرهنگ اسلامی را در فرهنگ غرب جستجو می‌کرد. زن غربی در عصر حاضر به دنبال کسب امتیازات و برابری‌هایی در زمینه حقوق انسانی از قبیل حق تحصیل، اشتغال، حق رأی، بالندگی و حضور سیاسی - اجتماعی، مالکیت، تجارت، ارث، طلاق بود که قرن‌ها از آن محروم بوده است. ساختار سنتی - مذهبی جامعه ایران نیز تحت تأثیر تحولات فکری و اقتصادی فرهنگ غرب دچار تغییر شد و سر آغاز این تغییر دوران قاجاریه بود. تأثیر پذیری زنان از فرهنگ و ارزش‌های غرب در دوره پهلوی ها و با توسعه ایدئولوژی «تمدن بزرگ» به اوج خود رسید. در دهه های 1340 و 1350 نسبت به ایدئولوژی «تمدن بزرگ» واکنش‌های اجتماعی با جهت‌گیری‌های سکولار و مذهبی شکل گرفت و ارزش‌های غرب مورد انتقاد قرار گرفت و انقلاب اسلامی تحت تعالیم اسلامی سرآغاز احیای ارزش‌های فطری و انسانی زنان و مردان و منادی نجات زن و ارائه وجه انسانی به زن است. مقاله حاضر با روش اسنادی، کند و کاوی به ارزش‌های زنان در دوران معاصر از زمان قاجار تا زمان پهلوی و بعد از انقلاب داشته و در ادامه مطالعه مربوط به ارزش‌های زنان از نظر زنان اندیشمند و فرهیخته که در سال 1392 با روش مصاحبه عمیق انجام یافته آورده شده است.

**کلیدواژه:** حقوق زنان، ارزش‌های زنان، فعالیت‌های اجتماعی، واکنش اجتماعی سکولارها، واکنش اسلامی، مدرنیزاسیون



مقدمه

در قرن 17 با مطرح شدن حقوق بشر و نشر اندیشه‌های ولتر، روسو و مونتسکیو، درباره حقوق فطری و طبیعی و غیر قابل سلب بشر در دوره روشنفکری و صدور اولین اعلامیه حقوق بشر بعد از انقلاب کبیر فرانسه مقررات آزادی زن به عنوان یک انسان فراهم شد و زن را همانند مرد موجودی انسانی معرفی کردند. انقلاب صنعتی با نیت سود پرستانه از کار ارزان زن به استقلال اقتصادی زنان انجامید. (ایروانی، 1384) زن غربی با شعار و هدف نهضت فیمینیسیم یعنی تساوی با مردان در عصر حاضر امتیازاتی را کسب کرده است، این برابری‌ها در زمینه حق تحصیل، اشتغال، حق رأی، بالندگی و حضور سیاسی - اجتماعی، مالکیت، تجارت، ارث، طلاق و مواردی از این قبیل است این حقوق جزء حقوق انسانی هستند علاوه بر آن ها زن در این مبارزات حقی به نام آزادی جنسی کسب کرد، آنچه مرد همیشه از آن بهره‌مند بوده است. (همان: 27) آزادی جنسی که در خدمت نظام صنعتی و ابزار تبلیغات قرار گرفت.. اما زن غربی با تمام حقوقی که کسب کرده بود مسأله اساسی‌اش حل نشد. مسأله زن غربی به ساخت تفکر اجتماعی غرب یعنی جهان بینی ماده‌گرا و نظام ارزشی مبتنی بر اصالت سود مربوط است (همان: 28) جهان‌بینی فاقد معنویت قادر به ارائه اهداف ارزشمند انسانی بلند مدت به زنان نیست و تنها ملاک ارزش درباره زن، جذابیت جنسی اوست. (همان: 29)

آثار تحولات غرب بر جوامع مسلمان و وضعیت زن به عنوان بیرونی با زمینه‌های داخلی، از جمله حضور استعمارگران و فرهنگ غرب در پست‌های کلیدی جامعه و مسافرت طبقات بالا و درباریان به اروپا عملی شده است. (ایروانی: 91-95)

هدف از این بررسی مطالعه ارزش های زنان در دوران معاصر از زمان قاجار تا زمان پهلوی و بعد از انقلاب از طریق مطالعه اسنادی است در ادامه مطالعه ارزش های زنان از دیدگاه زنان فرهیخته و اندیشمند با انجام مصاحبه عمیق از 25 نفر از اساتید زن دانشگاه ها در سال 1392 مورد بررسی قرار گرفت.



### روش تحقیق

#### زنان در دوران قاجار

ساختار جامعه ایران تا دوران قاجاریه ساختاری سنتی - مذهبی بود. زنان موقعیت و منزلت پایینی داشته و در خارج از خانه مسئولیتی نداشتند. (زمانی، 1388)

در دوران قاجاریه در پی ارتباط ایران با کشورهای غربی، موقعیت اجتماعی زنان در پایتخت و شهرهای بزرگ در اثر ارزش های غربی دچار تغییراتی شد. (تکمیل همایون، 1354)

#### فعالیت سیاسی

فعالیت زنان در دوره پیش از مشروطه تحت تأثیر علمای دینی و برای حفظ ارزش های مذهبی بوده و اندیشه های دینی عامل حضور سیاسی اجتماعی زنان محسوب می شده است. (شیرودی، 1384: 77) اولین دخالت سازمان یافته زنان ایرانی در فعالیت های سیاسی در بلوای نان (7711 ه. ق) در اواخر قرن نوزدهم. و همچنین در مخالفت با امتیاز رویتر در سال 7717 و اعتراض توتون و تنباکو سال 7721 (7717-7717). بود. (7002, mahdi) در این دوره از مبارزه ملی، برخی از زنان روشنفکر متوجه می شوند که زنان، پتانسیل بالقوه برای فعالیت های سیاسی سازماندهی شده دارند. (ibid)

#### آموزش زنان

آموزش در دوره قاجاریه به صورت سنتی و در مکتب خانه ها بود. گروهی از خانواده ها مانع تحصیل دختران بودند ولی گروهی نیز با گرفتن معلم یا فرستادن دختران به مکتب خانه به آموزش دختران و زنان اهمیت می دادند. (زاهد، 1382)

قبل از انقلاب مشروطه تعداد اندکی از زنان و دختران اعیان و اشراف می توانستند درس بخوانند و دختران طبقات پایین اجتماع به دلیل عدم توانایی مالی بی سواد بودند.

در زمان جنبش مشروطه زنان فارغ التحصیل از مدارس دخترانه که توسط مسیونر های مذهبی آمریکایی برای تبلیغ مسیحیت (پروتستان) و در جهت اهداف استعماری تأسیس شده بود با کسب علم از شرایط خود آگاه شدند. مدارس نیز برای فرزندان مسلمان توسط روحانیان ایجاد شد. گسترش تأسیس مدارس دخترانه و علم آموزی دختران و زنان ایرانی از دستاوردهای انقلاب مشروطه بود. بعد از مشروطه به درخواست زنان ماده 19 متمم قانون اساسی تحصیل را برای همه اجباری و این اقدام راه را برای زنان باز کرد. (همان)

#### فعالیت جدید اجتماعی زنان

در این دوره زنان در نخستین حرکت ملی در جریان قتل گریبایدوف تا پایان خراب کردن سفارت روس نقش داشته و در دوران مشروطیت از پیشگامان مشروطه بودند. از قیام ستارخان علیه استبداد حمایت کردند. در مسأله قروض از خارج و یا دفاع از مجلس، زنان چادر به سر با طپانچه های خود از جنوب شهر در میدان بهارستان جمع شده و برای عملی شدن خواست خود اصرار داشتند. (تکمیل همایون، 1354)

از مسائل مهم این دوره مسأله حجاب بود. ناصرالدین شاه و روشنفکرانی که برای تحصیل یا امر دیگر به فرنگ سفر کردند، شیفته پیشرفت اروپاییان شده و به جای کشف رمز تحولات و ترقی آنها، به ظواهر زندگی توجه کردند. سرآغاز فکر رفع حجاب بعد از مشروطه و از درون مدارس تازه تأسیس بوده و با. تغییر لباس زنان از زنان درباری و حرمسرا شروع شده است. (زاهد، 1382)

در انقلاب مشروطه که قانون اساسی آن در سال 1285 ه. ش به امضای مظفرالدین شاه رسید. بر اساس اصل هشتم قانون اساسی تمامی اهالی مملکت ایران دارای حقوق مساوی بودند. (جاراللهی، 1372) در سال 7102، جنبش ملی موفق به تثبیت "برابری همه شهروندان در قانون" شد. با این حال، تعریف "شهروندی" شامل زنان نمی شد. آنها در طبقه بندی حقوقی به عنوان جنایتکاران، صغار و دیوانه قرار می گرفتند. (Mahdi, 2004)

انجمن های زنان در طی انقلاب مشروطه بسط یافت. بعضی از آن ها به راه اندازی تجمعات مختلط از مردان و زنان اقدام کردند. در سال 1286 انجمن آزادی زنان (انجمن حریت وطن) تأسیس شد. (1995, paidar) ظهور جنبش زنان در ایران را



می توان در شکل گیری و رشد انجمن ها و نشریات زنان در طی یک دوره بیست ساله، از حدود سال 1910 تا سال 1932 مشاهده کرد. در طی این دوره، زنان تعدادی از سازمان ها و بسیاری از مجلات هفتگی و یا ماهانه را تاسیس کردند که به طور خاص به مسائل مربوط به شرایط زندگی زنان می پرداخت. (Mahdi, 2004) هدف اصلی این انجمن ها شرکت زنان در فعالیت های سیاسی، برابری حقوق زن و مرد و آزادی شرکت زنان در اجتماعات بود. تعدادی از زنان روشنفکر در جریان جنبش مشروطه به رهبری مردان و در مقابل عناصر محافظه کار اعتراض کرده و از حق طلاق مردان و مسئله چند زنی و تعدد زوجات انتقاد کرده و خواستار اصلاح آن ها شدند. (زاهد، 1382)

از فعالیت مهم زنان این دوره روزنامه نگاری و مقاله نویسی در روزنامه ها و مجلات بود. استدلال درباره دادن حق رأی به زنان از سوی مردان و زنان مشروطه خواه و طرفدار حقوق جنسیتی در روزنامه های «صوواصلرافیل، حبل الممتین، مصوت و ایران نو» به چاپ می رسید. (Mahdi, 2004) نخستین مجله زنان به نام دانش با هدف بیداری توده نساوان در سال 1289ش چاپ شد. مجله ای به نام شکوفه با انعکاس موضوعات انجمن زنان ایران چون: ترویج کالاهای ایرانی، ترویج آموزش علم و هنر و صنعت در میان زنان در سال 1292 ش منتشر شد. (paidar, 1995) و هفته نامه زبان زنان درباره مسائل سیاسی و اجتماعی و حجاب زنان در سال 1337 به راه افتاد. زنان در جامعه ایران در برابر شوهر مطیع و تولید کننده و «در کل جامعه انسانی از خود بیگانه و شیئی شده و در عین حال مقدس و با حرمت و منزلت، بوده اند. با این ارزش ها زن ایرانی قدم به دوره معاصر می گذارد دوره ای که عوامل سنتی سازنده باقی هستند کل جامعه و همینطور زنان در برخورد با نیروهای خارجی فراگرد جدیدی پیدا کرده و در مسیر دگرگونی ها قرار می گیرند. (تکمیل همایون، 1354)

### زنان در نظام اقتصادی

در این دوره زنان علاوه بر نقش مادری و همسری و در تولید نیز فعال بودند. گرچه مسئولیت آنها سنگین تر شد ولی قدرت آن ها در خانواده افزایش یافت. (زمانی، 1388) زنان از طریق تولید برای خانواده و از راه فروش کالا در خارج از خانواده نقش مهمی در امرار معاش دارند. در جوامع روستایی و قبیله ای زنان در کار کشاورزی و دامداری کار دستی، فرش، گلیم بافی، خیاطی و تولید محصولات لینی فعال بودند. در شهر نیز عمدتاً زنان طبقات پایین و متوسط در صنایع دستی قلاب دوزی و روبنده دوزی فعالیت داشتند. در آمد اندک آنها تحت نظارت شوهران بود. زنان طبقات بالا به خصوص درباری به کارهای درآمد زا مشغول نبوده و عمدتاً به کارهای تفننی و هنری می پرداختند. (زاهد، 1382)

### زنان در دوره پهلوی

#### 1- وضعیت زنان در دوره رضاشاه

یکی از انحرافات واقعی در کسب تجدد در ایران در دوره قاجار و پهلوی تغییر در ظواهر پوشش زنان و مردان به امید نوگرایی بود. ایده کشف حجاب مطرح شده در دوره قاجار، در دوره پهلوی با روش نظامی، قانونی و به اجرا درآمد. (همان) برخی مورخان اختناق سیاسی و اقدام اجبارساز رضاشاه درخصوص کشف حجاب را به شدت مورد انتقاد قرار داده اند. اما در کل نسبت به موقعیت زنان در عصر رضاشاه به داوری مثبت پرداخته اند. آنها معتقدند زنان از این پس توانستند به مشاغل جدیدی چون پرستاری، آموزگاری و کار در خانه ها بپردازند. نظام آموزش اروپایی که از زمان قاجار آغاز شده بود، گسترش یافت. دانشگاه تهران از آغاز کار خود، زنان را با شرایطی برابر با مردان می پذیرفت و به این ترتیب نسل جدیدی از زنان تحصیل کرده وارد میدان شدند که در حیات اقتصادی و فرهنگی کشور نقش های مهمتری را بر عهده گرفتند. با گذشت زمان، تعداد سازمانهای مربوط به زنان هرچه بیشتر افزایش یافت. (مومنی، 1385) حکم رضا شاه در سال 7192 که در قالب حقوق زن، در درجه اول توسط تعداد کمی از زنان نخبه حمایت شد، برای بسیاری از افراد یک سانحه بود. (Nikki R. Keddie)

اقدامات و اصلاحات رضا شاه حاصل رشد و تکامل اجتماعی زنان و مردان و در نتیجه مبارزات و تمایلات عمیق مردم نبود. کشف حجاب اجباری و اقدامات ضددینی رضاخان، در شرایطی بود که زنان به مقام و ارزش اجتماعی خود کاملاً واقف نبودند و برای رسیدن به حقوق حقه خویش مبارزه و تلاش نکرده بودند. به نوعی تضاد و دوگانگی فرهنگی منجر شد. در این دوره مانند دوران پس از مشروطه به دلیل نبود تشکلهای مستقل سیاسی و غیرسیاسی و جامعه مدنی، زنان نمی توانستند در فضای اختناق آمیز سیاسی حاکم، حقوق خود را مطالبه نمایند و تنها زنان وابسته به دربار پهلوی گاه اجتماعات، سازمانها و انجمن



های زنانه وابسته‌ای را تاسیس می‌کردند. دو مانع عمده زنان تجدد گرا عبارت بود از: ۱- فقدان جامعه مدنی ۲- مخالفت مردان ایرانی. (مومنی، 1385)

انجمن های مختلف اعم از سیاسی و اجتماعی و فرهنگی که بعد از مشروطیت شکل گرفته بود در دوره سلطنت رضا شاه در راستای سیاست کلی یکسان سازی فرهنگی مورد مخالفت واقع شد. در سال 1932، رضا شاه آخرین سازمان مستقل زنان، یعنی جمعیت نسوان وطن خواه ایران (اتحادیه میهنی زنان ایران) را ممنوع کرد. (Mahdi, 2004)

مراکز تربیت آموزگار که پیشینه آنها به دوره قاجار بازمی‌گردد، در زمان رضاشاه گسترش یافت. دارالمعلمات و مراکز تربیت آموزگار اولین بار در سال ۱۲۹۷ش در تهران و سپس در تبریز (۱۳۰۵ش) و اصفهان (۱۳۰۸ش) تاسیس شد. در سال ۱۳۱۳ش که قانون تاسیس دانشگاه به تصویب مجلس شورای ملی رسید، فرهنگ دانش‌پروری در جامعه و به‌ویژه در بین زنان کشور تثبیت شد. (مومنی، 1385)

با ورود زنان به دانشگاه تهران سه عامل باعث دسترسی زنان به اهداف شان شد: آزادی سیاسی، شکوفایی فعالیت های سیاسی و توسعه شتابان اقتصادی. عایدات نفتی فرصت شغلی و استخدامی برای زنان از کارگری تا مشاغل سطح بالا را ایجاد نمود و مخالفت خانواده ها با تحصیل علم و کار خارج از خانه از بین رفت (جاراللهی، 1372)

## 2- وضعیت زنان در دوره محمدرضاشاه

نوسازی حقوق زنان و فعالیت های دولت در مورد زنان تحت حکومت شاهان پهلوی آغاز شد. این امر متضمن گسترش آموزش و پرورش در همه سطوح و گسترش برخی از مشاغل مربوط به زنان، زیر نظر محمدرضا شاه بود. حق رای زنان و اصلاحات حقوقی عمده در قانون حمایت از خانواده با فشار گروه های زنان به انجام رسید. (Nikki R. Keddie, FPL)

در مهر 1341، با تصویب لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی در هیات وزیران زنان نیز دارای حق رأی شدند. (مومنی، 1385)

روزنامه و مجلاتی بعد از سقوط رضا خان به وجود آمدند. مجله هفتگی زنان پیشرو با هدف دفاع از عدالت اجتماعی و حقوق زنان در سال 1329 و قیام زنان در سال 1329، حقوق زنان، در سال 1331 و آزادی زنان و زنان مبارز در سال 1331 به چاپ می رسیدند.

بعد از رضاشاه احزاب چپ متمایل به شوروی در کردستان و آذربایجان شکل گرفت. زنان عملاً وارد احزاب چپ شده و مشارکت سیاسی فعالی پیدا کردند. آنها خواستار حقوق سیاسی، کمک های رفاهی برای مادران بی بضاعت و حقوق مساوی در برابر کار مساوی شدند. در دولت ایالتی آذربایجان، زنان دارای فرصت انتخاب کردن و دستمزد مساوی با مردان بودند. (زاهد، 1382)

با سقوط دولت ملی مصدق انجمن و تشکیلات زنان همچون بسیاری از احزاب برچیده شد و سازمان های زنان زیر نظرشاه تأسیس شدند. در سال 1338 انجمن زنان توسط اشرف پهلوی و در سال 1345 سازمان زنان ایران به ریاست اشرف پهلوی و معاونت فریده دیبا تأسیس شد. هدف محمد رضا شاه همگون سازی اقشار مختلف در جهت فرهنگی غربی بود. (همان)

در کانون بانوان ایران زنان سطوح پایین و مردان موضع تصمیم گیری را داشتند، زنان وفادار به سلطنت در آن واقعا به مشکل انقیاد زنان توجه داشتند و از دهه 1320 برای حقوق زنان فعالیت می کردند. (پایداری 1380)

اجرای 5 برنامه عمرانی از 1337 تا سال های قبل از انقلاب با هدف توسعه هماهنگ با دیدگاه نوسازی بر نابرابری های کل جامعه و از جمله زنان تأثیر داشت. شادی طلب این دوران را دوران «دوگانه سازی» نام می برد. دوگانگی اقتصادی میان بخش های صنعت و کشاورزی سنتی به اختلاف طبقاتی انجامید. جمعیت شهری با ارزش های جدیدی آشنا شدند. مانع فرهنگی بر سر راه حضور در جامعه از پیش پای زنان بر داشته شد. اما آموزش در روستاها عدم تجانس فرهنگی را به دنبال داشت و این دو قطبی شدن جامعه زنان ناشی نظام ارزشی متفاوت نخبگان و توده زنان بود که تناقض بین فرهنگ سنتی و صنعتی را در پی داشت. خانواده های نخبگان و مردم در سال 53 ازدواج بیش از یک زن را مذموم می دانستند. مشارکت زنان در تصمیم گیری در خانواده های نخبگان و تحصیل کرده دو برابر خانواده های دیگر است. بر اساس فرهنگ رایج آن زمان هر دو گروه مخالف کار و اشتغال زنان بودند. (شادی طلب، 1380)



گفته می شود در دوران پهلوی ها موقعیت قانونی زنان سریع تر از موقعیت اجتماعی آنان تغییر کرده است. اصلاحات مربوط به خانواده نتوانست به طور بنیادی اساس مردسالاری را در خانواده دگرگون نماید. تغییر قوانین مربوط به طلاق و حضانت کودکان تصویر جدیدی از زن را به عنوان فرد درآمدزا ارائه کرد و برابری اجتماعی روبه رشد زنان و مردان در دادگاه های حمایت از خانواده تبلور یافت و نقش شوهر به عنوان محور همه مسائل مورد تهدید قرار گرفت. (پایداری، 1380) قانون حمایت خانواده مصوب سال 1353 در برابر انتقاداتی مبنی بر مجاز کردن مردان به گرفتن زن دوم با اجازه زن اول وانتقاد از محروم کردن زنان از درخواست طلاق در صورت ابتلای شوهر به یک بیماری واگیر دار مورد تصویب قرار گرفت. آخرین حوزه سیاست دخالت دولت در خانواده مربوط به سقط جنین بود. (همان:100) و آخرین پست بسته به روی زنان یعنی قضاوت نیز به روی زنان گشوده شد. با اعتراض به بند اجازه همسر برای سفر در گذر نامه در دهه 1350 دولت اعلام کرد لازم نیست زنان برای هر سفر خارجی از شوهرشان اجازه بگیرند و کسب یک اجازه برای چندین سفر کافی است و آخرین تغییر قانونی طرح کار پاره وقت زنان دارای کودکان زیر سه سال بود که در سال 1356 به مجلس سنا تسلیم شد که البته این طرح در زمان جمهوری اسلامی به صورت یک قانون تصویب شد.

مقررات این دوره در جهت پاسخگویی به الزامات یک جامعه اقتصادی و اجتماعی مدرن و روابط اجتماعی مرد سالار همچنان در خانواده تثبیت می شد. خواسته های سازمان زنان ایران و سازمان های حامی حقوق زنان رادیکال تر از اصلاحات دولت بود. (همان) زنان روستایی نیز از فرایند مدرنیزاسیون تأثیر پذیرفتند و از کارگر کشاورزی به فرش بافی تغییر کردند این درآمد نقدی خانواده به جای آزادی به انقیاد بیشتر زنان انجامید. با اصلاحات ارضی و مهاجرت مردان به شهر ها برای کارهای ساختمانی و صنعتی، نیاز به کار زنان و کودکان در روستا افزایش یافت و استعمار زنان کارگر روستایی بیشتر شد. به دلیل نا آگاهی عمومی و عدم سازگاری برنامه های دولت با شرایط زندگی این زنان، نصیب زنان روستایی از برنامه های آموزشی و بهداشتی و خانوادگی اندک بود. (همان)

اثر فرایند مدرنیزاسیون بر زنان شهری در طبقات مختلف متفاوت بوده و به تضعیف کنترل مردسالارانه بر زن منتهی نشد. (همان) زنان طبقات پایین در صورت کار به مشاغل دون پایه مثل کارگر خانگی و کارخانه یا خیاطی و آرایشگری می پرداختند. میزان بی سوادی این زنان از متوسط بی سوادی زنان شهری بیشتر است. (همان) زنان اقشار پایین و متوسط تا حدودی مرفه تر به سبب دسترسی به آموزش عالی و آموزش های شغلی در کارهای دفتری فروشنده و پرستاری و معلمی مشغول بودند. با وجود رشد آموزش زنان در دهه های 1340 و 1350 و ورود به دانشگاه ها، باز بیشتر فضای آموزشی از آن مردان بود. زنان فرصت کمی برای مشاغل تخصصی چون پزشکی و حقوق داشتند. اشتغال زنان تا اواسط دهه 1350 به دلیل ایدئولوژی دولتی در تشویق زنان به کارهای خانگی و (همان) افزایش درآمد مردان به علت رشد اقتصادی و تعصب مردان رو به کاهش نهاد. آنان در محیط های دانشگاهی و کاری با آزار جنسی و با نوع دیگر آزار زنان در قالب ممانعت از پوشش اسلامی در محیط کار و محیط دانشگاهی مواجه می شدند. (همان) برخی از زنان خواهان مدرنیزاسیون از بالا بوده و برخی نیز خواهان گسترش مرزهای روابط جنسیتی از طریق درخواست آزادی بیشتری برای زنان بودند. بعضی ها نظام سیاسی کمونیستی را جایگزین مناسب دانسته و عده ای نیز راه نجاتشان را در تشیع نوین جستجو می کردند. (همان)

در دهه های 1340 و 1350 نسبت به ایدئولوژی فرهنگ متجدد و مدرنیزاسیون «تمدن بزرگ» واکنش های اجتماعی با جهت گیری های سکولار و مذهبی شکل گرفت. مدرنیزاسیونی که وابستگی خارجی را به دنبال داشت و اینک در حال تهدید کالبد اخلاقی جامعه بود. (همان)

#### واکنش اجتماعی سکولارها در برابر مدرنیزاسیون

مخالفت سکولارها از مدرنیزاسیون، مربوط به زنان روشنفکر طبقه متوسط و بالای جامعه همانند فروغ فرخزاد بود آنان از یک جامعه باز همراه با آزادی های جنسیتی برای زنان حمایت می کردند. از مخالفان سکولار، گروهی بودند که خواهان پاکسازی ایران از لوث آلودگی غربزدگی بودند «غربزدگی» واژه ای بود که جلال آل احمد در این مورد به کار برد. جایگزین فرهنگی این گروه از زن به صورت «زن مدرن محجوب» بود نه عروسک فرنگی های پهلوی. (همان)



چپ مارکسیست - لنینیست واکنش سکولار دیگری در مقابل «تمدن بزرگ» بود. از نظر این گروه زنان قربانیان وابستگی ایران به غرب اند و سیاست های دولت ابزار استثمار امپریالیسم از زنان ایرانی است. الگوی مارکسیست - لنینیست ها در واقع «مردانه سازی زنان» بود. (همان)

#### واکنش اسلامی در برابر مدرنیزاسیون

دهه 1340 و 1350 واکنش های مذهبی نسبت به مدرنیزاسیون شکل گرفت که حاوی ایدئولوژی سیاسی مدرن بود... در تاریخ اخیر کشورمان، اندیشمندان بزرگی چون مرحوم طالقانی، دکتر علی شریعتی، استاد مرتضی مطهری و امام خمینی (ره) به این مقوله بیش از دیگران توجه کرده اند. (مومنی، 1385)

#### واکنش مذهبیون سنتی به مدرنیزاسیون

پس از سال 1343 شیعیان مبحث مهمی در زمینه الهیات و تفکرات دینی انجام دادند با رشد سواد در جامعه و نیاز روحانیان به ارتباط با عموم مردم منجر به گسترش انتشار توضیح المسائل شد.. (پایدار ، 1380)

توضیح المسائل نشان از سعی روحانیت در حفظ اقتدار خود بر خانواده ها بود.. پایین بودن سن ازدواج و ازدواج دختران با اجازه پدر، تعدد زوجات و متعه و تشویق توالد و تناسل، ریاست مردان بر خانواده و حق طبیعی مردان در طلاق، اختصاص حضانت دختران تا هفت سال و پسران تا دو سال به مادران و ارث دوبرابر مردان و منع قضاوت زنان و اشتغال به کار با اجازه شوهر از جمله راه حل های سنتی بود که ارائه می دادند. (همان) زنان با شروط ضمن عقد در قباله ها می توانستند درخواست طلاق نمایند. از نظر دیدگاه سنتی قانون حمایت از خانواده درصدد نابودی زندگی خانوادگی مسلمانان است و با اسلام ضدیت دارد. (همان)

#### الف - واکنش تشیع مدرن به مدرنیزاسیون

تشیع مدرن با تأسیس نهضت آزادی در اوایل دهه 1340 به وسیله مهدی بازرگان و آیت ا... طالقانی آغاز شد. سمینارها برگزار و مباحثاتی انجام شد. « مدرنیسم شیعه ، مبادرت به بازاندیشی و عقلانی کردن نهاد خانواده کرد و از طریق نشریات و سخنرانی های شان مفهوم جدیدی از زن شیعه را ارائه داد. آیت ا... مطهری یکی از چهره های اندیشه مدرن درباره خانواده بود.» (همان)

مطهری در کتاب «حقوق زن در اسلام» برابری حقوق را بدون توجه به جنسیت مورد قبول اسلام نمی داند مطهری بین «فضای اجتماعی» و «فضای خانواده» تفاوت قائل است از نظر مطهری جامعه مدنی مخلوق بشر است. به طور مساوی وارد آن می شوند و به تدریج و به واسطه شخصیت و استعداد متفاوتشان مسئولیت ها و حقوق نابرابر به دست می آورند و خانواده را تحت حاکمیت «قانون طبیعی» می داند. در این جا افراد با حقوق اولیه، توانایی ها و نیاز های متفاوت زاده می شوند. قانون طبیعی آن ها را در موقعیت نامتشابه قرار می دهد به همین دلیل زن و مرد دارای موقعیت متفاوت در خانه هستند و حقوق و مسئولیت های متفاوت دارند. موقعیت زن و مرد را در طلاق ازدواج و حضانت و ارث متفاوت می بیند و این تفاوت ها را بر اساس اختلافات بیولوژیک و روانشناختی زن و مرد عقلانی می داند. (همان)

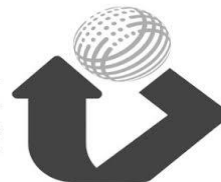
مطهری ضمن اهمیت دادن به نقش مادری فعالیت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی زن را با پوشش مناسب و با خود داری از اختلاط نزدیک با مردان انکار نمی کند. در برخی مشاغل حضور اجتماعی زن یک نوع الزام و تعهد اجتماعی محسوب می شود. از نظر مطهری شکل طبیعی ازدواج تک همسری است و تعدد زوجات برای شرایط خاص اجتماعی تجویز می شود. (همان) و این عمل را در زندگی مدرن به دلیل ادامه تحصیل و تأخیر ازدواج و برای مردان مجرد موجه می داند. (همان)

#### ب - واکنش تشیع مدرن رادیکال

مدرنیسم شیعه در تلاش های عمده امام خمینی (ره) و علی شریعتی یک جهت رادیکال در پیش گرفت

#### ب 1- شریعتی

یکی از ابعاد مهم ایدئولوژی سیاسی شریعتی مسأله زن بود. او در کتاب «فاطمه فاطمه است» به مسأله زن و ستم به زن در جامعه مدرن ایران به عنوان « موضوع جنسی» متمرکز شد. از نظر شریعتی در جهان سوم «امپریالیسم فرهنگی غرب به عنوان



« بزرگترین توطئه علیه انسانیت » به زن ستم کرده است. غربی ها با تبدیل زنان به «عروسک های غربی» به دنبال مواد خام و منابع طبیعی اند در این مسیر سخاوتمندانه فرهنگشان در قالب « اخلاقیات تکنیک، هنر و پورنوگرافی » وارد جامعه می شود. به نظر شریعتی نظام سرمایه داری تصویری با دو کارکرد از زن ارائه داده است در تصویر اول زن به عنوان یک موضوع جنسی و تصویر دوم زن مصرف کننده کالای سرمایه داری بود(همان)

زنان به عنوان موضوع جنسی در جهت استحاله ارزش ها و اخلاقیات و تبدیل یک جامعه روحانی به جامعه مصرفی به کار گرفته شدند. به نظر شریعتی زن مهم ترین عنصر نگه دارنده سنت ها و روابط اجتماعی و فرهنگی است و در عین حال به دلیل احساسی بودنش راحت تمدن غرب را می پذیرد؛ مخصوصا اگر جامعه خودش چیزی جز رنج و درد به نام مذهب به او ندهد. از نظر شریعتی زنان آخرین گروهی اند که از حقوق بشر و امکانات اجتماعی برای توسعه ظرفیت های خود در جامعه مسلمان بر خوردار می شوند. به نام اسلام حقوق و مزایای اسلام برای زن را از او گرفتند و او را تا سطح «ماشین شوینده» فرو کاستند و شخصیت انسانی او را به عنوان یک «ماشین زاینده» معرفی کردند. زندگی پست زنان در جامعه سنتی با پوشش مذهبی باعث جذب آنها به مصرف و یک زندگی «بیهودگی لوکس» شد. او با معرفی فاطمه (ع) به عنوان الگویی برای زن شیعه ایرانی تصویر قابل قبولی برای جهان معاصر ارائه می دهد. زن آرمانی شریعتی زن ارتجاعی و زن مدرن تحمیلی نیست و نباید به دلیل محدودیت های خانوادگی از مسئولیت های اجتماعی باز ماند..(همان)

شریعتی از برابری زن و مرد دفاع نمی کند. چرا که آن دو به طور طبیعی مکمل هم آفریده شدند. اسلام به حقوق طبیعی زن و مرد قائل است نه حقوق مشابه. (همان) دکتر علی شریعتی در کل سه چهره از زنان ارائه می دهد: «۱- زنی که چهره موروثی را می پذیرد ۲- زنی که چهره تحمیلی صادراتی دارد ۳- زنی که می خواهد انتخاب کند. (مومنی، 1385)

## ب 2- امام خمینی(ره)

امام خمینی از ابتدای قیام خود در سال ۱۳۴۱ش، برای زن و نقش موثر او در تحولات جامعه اهمیت خاصی قائل است. امام در ارتباط با زنان در سال ۱۳۵۷ موارد مهمی زیر را مورد تأکید قرار داده است.

«۱- نفی شیءگونه بودن زن، ۲- نفی تصویر جاهلی از زن، ۳- نقش زنان در بنای جامعه، ۴- نظر خاص اسلام به زن،

۵- تأکید بر نقش تربیتی زنان، ۶- تأکید بر نقش اسلام در هدایت زنان، ۷- آزادی انتخاب.

او در آستانه پیروزی انقلاب در مصاحبه با السفير گفت: «زنان باید از آزادی انتخاب کردن، انتخاب شدن، آزادی آموزش خویشتن و کار کردن و مبادرت به هر نوع فعالیت اقتصادی برخوردار باشند.»

بنابراین امام به رد دیدگاه رایج نسبت به زنان و تبلیغات منفی مبنی بر اینکه اسلام زنان را به کنج خانه ها خواهد برد، پرداخت و این نگرش جدید شور و هیجان خاصی در میان زنان ایجاد کرد تا جایگاه خویش را بازیابند.

امام به نقش کلیدی زنان در پیروزی انقلاب چنین اشاره می کند: «... این پیروزی را ما از زنان داریم، قبل از آنکه از مردان داشته باشیم. بانوان محترم ما در صف جلو واقع بودند. ...» ایشان در جای دیگری می فرماید: «بانوان ما در این نهضت انقلاب سهم بیشتر از مردان دارند. در واقع کلام امام و انقلاب اسلامی یک تغییر کیفی در نگرش زنان ایجاد کرد. (همان) امام خمینی(ره) با دید جدید خود توانست اندیشه های متحجرانه و ارتجاعی مطرح تحت عنوان اندیشه های دینی و اسلامی را رد کند. ایشان از یک سو بر نقش حاشیه ای زن خط بطلان کشید و از سوی دیگر با اندیشه های لائیک و ابزاری نگر در خصوص زن به مخالفت پرداخت.

## زنان در دوره انقلاب اسلامی

فعالان مذهبی با امام خمینی(ره)، یک رهبر اپوزیسیون توانمند علیه شاه، زنان مذهبی منزوی را با استفاده از تم های مذهبی با محوریت فاطمه زهرا و زینب کبری به عنوان نماد مقاومت در برابر حکومت ظالم به صحنه سیاسی و اجتماعی وارد کردند، علما قادر به آوردن این زنان به تظاهرات علیه شاه بودند، با دیدن این فوران عظیم از زنان مذهبی در برابر شاه، برخی زنان جوان تر، سکولار و بی حجاب متوسل به چادر (حجاب) شده و در سرپیچی نمادین از دیکتاتوری غربی شاه و در همبستگی با مشارکت توده ای زنان همه طبقات و مکاتب ایدئولوژیک در این تظاهرات ضد دولتی شرکت کردند که در آن برخی از زنان جوان در درگیری های مسلح با پلیس و نیروهای نظامی درگیر شدند و زنان مسن تر از آنها در برابر تعقیب پلیس حمایت و





محافظت می کردند. (Mahdi, 2004) شرط حضور زنان در حوزه ی عمومی با رعایت قوانین مذهبی و احکام جدید میسر بود که توسط روحانیون صادر شده بود. (Ibid)

با وجود "مشارکت سیاسی گسترده، زنان، ارزشها و توزیع دارایی ها به نفع زنان به کار برده نشد. از نظر محمدی بعد از انقلاب دولت جمهوری اسلامی ایران با توسل به شریعت اسلامی و سنت ایران، سیاست نابرابری در مقابل زنان را به صورت قانونی با موفقیت اجرا نمود. از جمله اقدامات دولت انقلابی در فاصله سال های 7112 تا 7172، کاهش اشتغال زنان، اخراج بسیاری از زنان در بخش خدمات عمومی به دلیل ظاهر و زن بودن شان، کاهش سن قانونی ازدواج برای زنان از شانزده به نه سال و کاهش میزان نمایندگی زنان در مجلس از هفت به 7.1 درصد، کاهش کیفیت آموزش و پرورش، کاهش حضور زنان در کتب درسی با تصاویر تقریباً سنتی از زن بود. در سطح دانشگاه، ثبت نام زنان نیز افزایش یافته است، اما زنان در رشته های خاصی امکان تحصیل داشتند. آموزش زنان ایرانی در خارج از کشور مشروط به ازدواج آنها شد و هنوز هم صدور گذرنامه زنان مجرد با اجازه پدر و زنان متأهل با اجازه شوهر امکان پذیر است. (Mohammadi, 2007)

در چند دهه اخیر تغییرات زیادی در موقعیت زنان جامعه به وجود آمد. در طی این سال ها با حضور فراگیر زنان در موقعیت های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دستگاههای اجرایی و (زمانی، 1388) عرصه های علمی، اداری، آموزشی، صنعتی و نظامی و انتظامی موقعیت آنها همچنان در تحول جدی است این حضور اجتماعی نقش های زنان در خانواده را هم تحت تأثیر قرار داده است. مطالعات حاکی از زیر سوال رفتن ارزش ها و هنجارهای و نقش های سنتی دارد. از آن جا که کار بیرون از خانه وظایف خانه داری او را سبک نمی سازد و این نابرابری در تقسیم کار در خانه را نمایان می کند و در تغییر الگوی خانوادگی موثر است. (زمانی، 1388)

اشتغال زنان به اعتماد به نفس، بر خورداری از سلامت روانی بیشتر، کسب استقلال اقتصادی و منزلت اجتماعی، نوعی حس برتری نسبت به سایر زنان و به کاهش اقتدار مرد و توازن قدرت بین زن و شوهر تردید در رابطه سنتی (وابستگی کامل) با همسر و رشد شخصیت انجامیده است (همان)

ژاله شادی طلب دو دهه بعد از انقلاب اسلامی را بر اساس تحولات اجتماعی - سیاسی به ویژه در وضعیت زنان به دو دوره «دگرگون ساز» و «زمینه ساز» تفکیک کرده است.

در دوره دگرگون ساز بعد از انقلاب به علت اهمیت بخشی به نقش مادری و همسری زنان از عرصه فعالیت های اقتصادی به حاشیه رانده شده و فضای عمومی به مردان نان آور اختصاص یافت. در بخش خدمات به دلیل استخدام آموزگار و خدمات بهداشتی و درمانی سهم اشتغال زنان افزایش یافت.

در خانواده به سبب کاهش سن ازدواج به نه سال و تغییر قواعد طلاق و دادن امتیاز به مردان تغییراتی به وجود آمد. بر اساس نظرخواهی سال 1358 مخالفین چند زنی در هر دو گروه تحصیل کرده و مردم کاهش یافته است.

در زمینه آموزش با اسلامی شدن نظام آموزشی موانع فرهنگی در مسیر آموزش دختران از بین رفت. در آموزش عالی دختران محدودیت برای انتخاب رشته داشتند و تا سال 1364 زنان مجرد از ادامه تحصیل در خارج از کشور محروم بودند.

در دوران زمینه ساز جامعه برای رسیدن به توسعه نیاز به تحول ذهن ها داشت و باید همگان در تصمیم گیری ها مشارکت می کردند. آموزش زنان در مقطع متوسطه و سطح تحصیلات عالی افزایش یافت. اصلاحاتی در قوانین و مقررات خانواده از قبیل: تعبیه شروط ضمن عقد در سند ازدواج، افزایش سن ازدواج از نه سال به 13 سال به وجود آمد. اینک 90 درصد مردان مخالف با ازدواج بیش از یک زن هستند و ازدواج مجدد مرد منوط به رضایت همسر اول و داشتن عدالت و اجازه از دادگاه است. از تغییرات دیگر در خانواده افزایش موافقان معاشرت قبل از ازدواج و مخالفان ازدواج فامیلی است.

تحقیقات بیانگر سپری شدن دوران پدر سالاری در ایران و افزایش موافقان مشارکت و مشورت در تصمیم گیری خانواده، تقاضای زنان مبنی بر آزاد بودن در انتخاب روش زندگی، ارتقای سطح تحصیلات و آموزش و کاهش قدرت انحصاری مردان، تغییر نگرش مردان و زنان نسبت به ازدواج، اعتقاد زنان جوان تر به برابری جنسیتی در ساختار خانواده، افزایش اعتقاد به سهم مساوی و مشترک زنان و مردان در خانه داری، وظیفه مشترک زن و مرد در تربیت فرزندان، اعتقاد مردان و زنان به مشارکت در کسب درآمد خانواده و مینا بودن عشق در ازدواج از نظرنسل جوان و بالا رفتن شاخص های بهداشت و سلامت و پذیرش



حضور اجتماعی زن به عنوان یک ارزش اجتماعی با وجود نابرابری در ساختار قدرت خانواده است. مشارکت و مشورت در تصمیم گیری خانواده و استقلال اقتصادی زنان و استقلال در هزینه کردن درآمد در جوامع روستایی نیز در حال شکل گیری است.

با افزایش ورود دختران به دانشگاه و فعالیت رسمی و غیر رسمی رسانه ها ارزش ها و هنجار های اجتماعی تغییر خواهد کرد. فیلم هایی ساخته شده که مشکلات زن در مناسبات مردسالارانه خانوادگی را به تصویر می کشد. از نظر زنان و جوانان، جامعه به مردان اهمیت زیادی می دهد. کاهش قدرت پدرسالاری و مشارکت زنان در نهادهای مدنی و نهادهای تصمیم گیرنده حاکی از دگرگونی ارزش های آن هاست. (شادی طلب، 1380)

بر اساس مطالعات وضعیت زنان ارتقا یافته و نقش دختران در خانواده ها مهم تر شده است. هرچه تحصیلات بالا باشد پذیرش نقش های سنتی از جانب زن و ارزیابی مثبت او از اطاعت محض از شوهر کمتر می شود. زنان در برابر کلیشه های تحصیلی و شغلی مقاومت بیشتر نسبت به کلیشه های جنسیتی خانوادگی دارند که می تواند ناشی از نگاه زنان به خانواده و کمبود پشتوانه اقتصادی و اجتماعی باشد. زنان تمایل زیادی به زیر سوال بردن ساختار کنونی ندارند.

زنان در حوزه ادب و هنر و روزنامه نگاری و فیلم و ورزش یعنی مبادی فرهنگی مشغولند. با اینکه مشارکت سیاسی زنان به دلیل مردانه بودن ساختار سیاست در ایران در سطوح بالا کم است اما این مشارکت رو به افزایش است.

در گذار جامعه از سنتی به مدرن زنان نابرابری ها را دیگر طبیعی و ذاتی تلقی نمی کنند. از نظر کاستلز نسل جدید، جامعه پذیری را بیرون از الگوهای سنتی خانواده پدرسالار تجربه می کنند و بدین سبب این تحولات دگرگونی شخصیت و هویت اجتماعی زنان را پی ریزی می کند. که تأمل و بازاندیشی در ارزش ها و آرمان ها و هویت های شخصی و اجتماعی را در پی دارد.

زنان به زیبایی و جراحی های زیبایی، سلامت و بهداشت فردی و خانوادگی، رفتن به سالن های ورزشی و استفاده از اوقات فراغت اهمیت می دهند. نظام ارزشی ایران به سود دختران در حال دگرگونی است. زنان در شکل های مختلف برای اهداف خود فعالند مانند کمپین یک میلیون امضاء گروه تدوین کننده منشور زنان ایران کمپین مادران صلح مجمع زنان اصلاح طلب و کمپین های گوناگون ضد سنگسار و تغییر قانون مجازات اسلامی و ... زنان در رسانه هایی مثل روزنامه و مجلات و سایت های خبری و نیز در نهادهای مدنی و احزاب سیاسی و در چاپ و نشر کتاب و مراکز تحقیقاتی فعالیت دارند و بدنه جنبش زنان ایران را تشکیل می دهند. بعد از انقلاب اسلامی تحصیل به عنوان یک سرمایه اجتماعی برای زنان و. گفتمان دموکراسی خواهی و افزایش مطالبات عمومی برای آزادی و عدالت متأثر از گفتمان روشنفکری بعد از انقلاب برگسترش گفتمان برابری خواهی زنان تأثیر داشته است. (ماشینی، 1387)

جلایی پور از نه روند مثبت در زندگی اجتماعی زنان یاد می کند: 1- حضور زنان در محیط امن بیرون از خانه پس از انقلاب 2- ورود زنان مذهبی به عرصه سیاست توده وار 3- آموزش مساوی زنان با مردان 4- رشد فزاینده زنان در عرصه اقتصاد و کسب استقلال مادی. 5- رشد خدمات بهداشتی و درمانی 6- استفاده از تفریحات و اوقات فراغت. 7- رسیدن به خود. 8- رشد فردیت و رشد موضع انتقادی تر و آگاهانه تر در حوزه رفتار های دینی. 9- نقش تعیین کننده زنان در تربیت.

جلایی پور از 5 روند منفی نیز نام می برد: 1- وضعیت تبعیض آمیز زنان از لحاظ حقوقی نسبت به مردان 2- مرد سالاری موجود در برنامه های تلویزیونی و محتوی کتب درسی. 3- تبعیض در فرصت های مدیریتی، اقتصادی و اجتماعی 4- قربانی بودن زنان در برابر «مصیبت های پنهان» که در معرض عصبانیت و خشونت مردان معتاد بوده و به فساد و دزدی کشیده می شوند 5- ضعف سازمان ها و نهادهای دولتی و مدنی در مقابله با این مصیبت ها. (جلایی پور، 1385)

ارزش های زنان در دوره قاجاریه و پهلوی در جدول زیر آورده شده است. در دوره قاجار زنان طبقات پایین اجتماع، دارای ارزش های سنتی. زنان دربار و اعیان و اشراف دارای ارزش های نو هستند. در دوره پهلوی ها، جامعه ایران از نظر ارزشی یک جامعه دوقطبی است.

در دوره انقلاب نسبت به فرهنگ متجدد و مدرنیزاسیون تمدن بزرگ انتقادهایی با جهت گیری و ارزش های سکولار و مذهبی شکل گرفت. جبهه دارای ارزش های سکولار گویی از زن مدرن محبوب فراتر از فرهنگ غرب و الگویی از زن مارکسیست



ارائه می داد. و جبهه مذهبی نیز با ارزش های مذهبیون سنتی و مذهبیون مدرن الگویی از زن مذهبی آمیخته به ارزش های مذهبی سنتی و الگویی با ارزش های مدرن ارائه کردند.

بعد از انقلاب ارزش های معنوی حاکم شد و اهمیت و کرامت زن و نقش انسان سازی او مورد تأکید قرار گرفت الگوی او حضرت فاطمه و زینب کبری (ع) بود. گرچه حقوق اجتماعی و سیاسی زن مسلمان شیعه در اثر ارزش های اسلامی انقلاب رو به بهبود نهاد اما برای مدت کوتاهی در اثر غلبه تفسیر مذهبیون سنتی یک برگشتی در ارزش های مربوط به حقوق خانوادگی زن ایجاد شد

سال ها بعد از انقلاب تغییراتی در قوانین طلاق و سن ازدواج دختران و حضانت فرزندان .... به نفع زنان به وجود آمده است.

**جدول شماره 1- ارزش های زنان در سه دوره قاجاریه ، پهلوی و انقلاب اسلامی**

خانه داری	دختران و زنان طبقات پایین اجتماع		
ازدواج در سن پایین			
فرمانبردار بودن زن			
مشارکت سیاسی واجتماعی توده ای			
اشتغال در صنایع دستی			
اشتغال به کار کشاورزی و دامداری و صنایع دستی در روستا			
اهمیت تأسیس مدارس و تعلیم و تربیت، کسب آگاهی	زنان دربار و اعیان		
حضور فعالانه در امور مهم سیاسی – اجتماعی			
آزادی مملکت و ملت در نهضت مشروطه			
<b>حقوق سیاسی و اجتماعی (رای دادن و انتخاب شدن و عدم تمایز جنسیتی...)</b>			
<b>حقوق خانوادگی(انتقاد از حق طلاق مردان و مسئله تعدد زوجات و اعتراض به رهبری مردان...)</b>			
اهمیت افکار و پوشش غربی و بی حجابی و تغییر زندگی و موقعیت اجتماعی زنان			
تشکیل انجمن های مخفی زنان			
بیداری توده نسوان			
فعالیت در <b>روزنامه نگاری و مجلات</b>			
رفتار مساوات گرایانه			
اشتغال در کارهای تفننی و هنری در عرصه شعر و ادب و هنر بدون درآمد زایی			
ارزش های تجددگرایی و سنت گرایی حول محور حقوق زن			
دو قطبی شدن جامعه نخبگان و توده زنان و نظام ارزشی			
تغییر چهره اجتماعی زنان			
اشتغال و حضور اجتماعی			
مذموم بودن تعدد زوجات			
تحصیل	پهلوی		



آزادی پوشاک	ها	
عدم تمایز جنسیتی		
حقوق سیاسی و اجتماعی (عدم تمایز جنسیتی...)		
بهبود حقوق زنان در خانواده (انتقاد از حق طلاق مردان و مسئله تعدد زوجات و اعتراض به رهبری مردان و افزایش سن ازدواج...)	رضا شاه	
تحصیل		
کشف حجاب		
امید به نوگرایی		
تحصیل در مراکز تربیت آموزگار و دانشگاه		
مشارکت زنان وابسته به دربار و زنان طبقه بالا		
تأسیس مدارس دخترانه و تحصیل و کسب معارف جدید زنان		
خانه داری		
اشتغال زنان در مشاغل دولتی جدیدی		
رواج آموزش و تثبیت فرهنگ دانش پروری		
افزایش تعداد سازمانهای زنان		
مخالفت با اقدامات ضد دینی	زنان طبقه متوسط و پایین توده عظیمی از زنان خانه دار	
افزایش اهمیت اشتغال	محمد رضا شاه	
افزایش اهمیت تحصیل		
مطالبه حقوق اجتماعی و سیاسی بیشتری برای زنان پس از شهریور ۱۳۲۰ش		
رد تجدد از سوی اکثریت زنان		
گسترش گرایش های سیاسی چپ با ارزش های حقوق اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی مساوی با مردان		
انتقاد از قوانین خانواده (انتقاداتی حق طلاق مردان و تعدد زوجات و سن ازدواج و سقط جنین مرد به عنوان رئیس خانواده تمکین خاص حق مردان و نیاز به اجازه همسر برای زن برای نیاز به اذن پدر برای ازدواج اول، ارث بری کمتر از مردان، و قضاوت)		
رد روابط خانوادگی مردسالارانه		
اهمیت نقش مادری و همسری		
اشتغال درآمدزا در صنایع دستی زنان روستایی		
اهمیت کم تحصیل برای زنان روستا		
انتقاد به ایدئولوژی «تمدن بزرگ» و مدرنیزاسیون از بالا با جهت گیری های سکولار و مذهبی	الف - اندیشه منتقدان سکولار	



جامعه باز همراه با آزادی های جنسیتی برای زنان			
الگوی سکولار « زن مدرن محبوب» پاکسازی ایران از غربزدگی			
الگوی زن چپ مارکسیست – لنینیست برابری کامل زن و مرد «مردانه سازی زنان» رد فرهنگ امپریالیسم عامل استثمار و انقیاد زنان			
(پایین بودن سن ازدواج ، تعدد زوجات، و متعه ، ریاست مردان بر خانواده ، ازدواج با اجازه پدر ..... )	مذهبیون سنتی		زنان در دوره انقلاب و پس از آن
بازاندیشی و عقلانی کردن نهاد خانواده(یکسانی حقوق زن و مرد در «فضای اجتماعی»، تفاوت بین حقوق افراد در «فضای خانواده» ، شکل طبیعی ازدواج تک همسری )			
اهمیت نقش مادری و فعالیت فرهنگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی زن			
تجویز تعدد زوجات و متعه در شرایط خاص		تقابل اپوزسیون اسلامی با مدرنیزاسیون	
رد امپریالیسم فرهنگی(عروسک های غربی) ، «ماشین شوینده»، «ماشین زاینده»، «شیء گونه بودن» ، «بیهودگی لوکس» )	تشیع مدرن		
رد زندگی پست زنان در جامعه سنتی با پوشش مذهبی			
فاطمه (ع) به عنوان الگویی برای زن شیعه ایرانی			
اهمیت و کرامت زن و نقش موثر او در تحولات جامعه و در انسان سازی			
مشارکت سیاسی و اجتماعی توده ای علیه شاه و فعالیت هایی چون گردهمایی های مذهبی.			
<b>کاهش مخالفین چند زنی در هر دو گروه تحصیلکرده و مردم در نظرخواهی 8531</b>			
اهمیت ارتقای تحصیل به عنوان یک سرمایه اجتماعی			
بازاندیشی در ارزش ها و هنجارهای و نقش های و هویت های شخصی و اجتماعی سنتی			
اهمیت اشتغال و استقلال اقتصادی			
فعالیت در عرصه های علمی، اداری، آموزشی ، صنعتی و نظامی و انتظامی			
تغییر حقوق زن و الگوی خانوادگی و بازتاب آن در مناسبات			
رشد شخصیت و مشارکت و مشورت در تصمیم گیری درباره مسائل خانواده و زناشویی.			
اهمیت ازدواج و خانه داری			
معاشرت قبل از ازدواج ، انتخاب همسر توسط بیشتر دختران و عشق مبنای ازدواج			
برابری جنسیتی در ساختار خانواده (رد مناسبات پدر سالاری و مردسالاری خانوادگی)			
از بین رفتن شکاف بین واقعیت و انتظارات و توقعات			
تقسیم کار مشارکتی و برابانه و مخالفت زنان با تقسیم کار کلیشه ای			
رشد فردیت در بین زنان			
توجه به زیبایی سلامت و بهداشت فردی و خانوادگی و داشتن اوقات فراغت مطلوب			بعد از انقلاب



درخواست سیستم حمایتی و تأمین اجتماعی برای حمایت از زنان آسیب دیده	روستا بعد از انقلاب	آغاز استقلال اقتصادی زنان روستایی
برابری جنسیتی و رد کلیشه های جنسیتی و محدودیت اجتماعی		
جنبش زنان و حرکت های فعالان زن و فعالیت در تشکل های مختلف و گفتمان دموکراسی خواهی و افزایش مطالبات عمومی برای آزادی و عدالت		
جداسازی جنسیتی و تربیت پلیس زن ، پزشک و پرستار زن ...		
رسیدن به خود از نوجوانی تا پیری		
دینداری انتقادی و تأملی(نه عادت)		
رد تبعیض در فرصت های مدیریتی ، اقتصادی و اجتماعی		
مقابله با قربانی بودن زنان در برابر «مصیبت های پنهان» . (خشونت مردان معتاد)		
شکل گیری مشارکت و مشورت در تصمیم گیری خانواده در <b>جوامع روستایی</b>		
تحصیل		

#### وضعیت زنان در اندیشه زنان نخبه دانشگاهی

در سال 1391 مطالعه ای در زمینه ارزش های زنان انجام گرفت. این مطالعه در قالب مصاحبه عمیق از زنان فرهیخته و استاد دانشگاه و دارای تحصیلات دکتری به عمل آمد که غالباً در زمینه زنان مطالعاتی نیز داشتند محقق خواستار دست یابی به ارزش های زنان از دید زنان اندیشمند بود نتایج حاصل از این مصاحبه بدین شرح است.

از نظر اطلاع رسانان<sup>1</sup> تحقیق، تحصیل برای زنان اهمیت یافته است. امکان تحصیل بیشتر برای زنان بعد از انقلاب باعث ارتقای سطح شناخت اجتماعی آنان و تحصیل به عنوان یک سرمایه اجتماعی برای زنان به آگاهی، کسب مهارت های اجتماعی بالاتر، خردورزی و توانایی های زنان انجامیده است. با کسب شناخت و آگاهی، زنان نابرابری ها را دیگر طبیعی و ذاتی تلقی نمی کنند. بر اساس پژوهش، گروه وسیعی از زنان موقعیت فرودست و مسائل برخاسته از آن را نمی پذیرند چون آن ها ارزش ها و نگرش های متفاوت از مادران خود کسب کرده اند و هرچه تحصیلات دانشگاهی بالاتر می رود میزان تأمل و بازاندیشی زنان از هویت های سنتی خود بیشتر می شود.

زنان با تحصیل به هویت زنانه خود آگاهی بیشتری پیدا کرده و رابطه سنتی خود (وابستگی کامل) را با همسر مورد تردید قرار می دهند. با افزایش تحصیل ، زنان جوان تر نسبت به زنان مسن تر به برابری جنسیتی در ساختار خانواده اعتقاد بیشتری دارند. همینطور اعتقاد به سهم مساوی و مشترک زنان و مردان در خانه داری رو به افزایش است. تصمیم گیری خانوادگی و تربیت فرزندان را نیز وظیفه مشترک زن و مرد می دانند. هم مردان و هم زنان اعتقاد به مشارکت در کسب درآمد خانواده دارند. از نظر نسل جوان امروز عشق مبنای ازدواج است نه مبادله زن و مرد میان دو خانواده. دختران نقش بیشتری در انتخاب همسر، طلاق و حتی نگاه انتقادی نسبت به زندگی خانوادگی دارند. اغماض مردان نسبت به حضور اجتماعی زن به یک ارزش اجتماعی تبدیل شده است. از نظر مشارکت کنندگان مطالعات حاکی از ارتقای وضعیت زنان و مهم تر شدن نقش دختران در خانواده ها و کاهش اهمیت نقش جنسیت بین فرزندان دارد. هرچه تحصیلات بالا باشد پذیرش نقش های سنتی از جانب زن و ارزیابی مثبت او از اطاعت محض از شوهر کمتر می شود. زنان در برابر کلیشه های تحصیلی و شغلی مقاومت بیشتر نسبت به کلیشه های جنسیتی خانوادگی دارند که هنوز زنان به خانواده اهمیت می دهند. زنان تمایل زیادی به زیر سوال بردن ساختار کنونی دارند. تحصیل عامل مشارکت زنان در حوزه عمومی و استقلال و حضور اجتماعی است. به سبب ورود زنان به عرصه های علمی، اداری، آموزشی، موقعیت اجتماعی آنان در حال تحول است. زنان در موقعیت های اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی چند دهه اخیر حضور داشته اند. تحصیل عامل دست یابی زنان به اشتغال می شود اشتغال موجب رشد شخصیت و تصمیم گیری

1- درگرن هندی و ریبه مصاحبه شندگان ال عرسلان و مشاکتکنندگان میگیند.



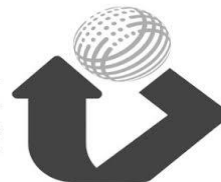
درباره مسائل خانواده و زناشویی است. تحصیل عامل سکولاریزاسیون و تضعیف ارزش های والا و باعث افزایش آگاهی انسان می شود ولی این آگاهی ممکن است زنان را به نقد و پاسخ بی راهه بکشاند از آن جا که در دانشگاه نخبگان جامعه تحصیل می کنند و آن چه در دانشگاه تدریس می شود کتبی بوده که بر اساس نظام فلسفی غرب نگاشته شده است؛ بنابراین تحصیل زنان در این نظام دانشگاهی گرچه جنبه های مثبت نقد و انتقاد را در آن ها افزایش می دهد اما در تبیین این انتقادات و راه حل مسائل، زنان ممکن است دچار سوء برداشت شوند.

از نظر اطلاع رسانان تحقیق، اشتغال بیرون از خانه برای زنان اهمیت یافته است. اشتغال در دو بعد باعث اعتراض زنان به حقوق خود می شود و بر روی مناسبات نظام حقوقی و زیست جهان زنان موثر است از یک سوی با اشتغال زنان در بیرون از خانه و داخل خانه که سنتا کار زنانه است، دچار تعارض نقش می شوند و زنان تناسبی بین حقوق و تکالیف خود نمی بینند. لذا نسبت به حقوق کم خود احساس نارضایتی می کنند و این شکاف بین زیست جهان و نظام حقوقی را در پی دارد از سوی دیگر زنان با اشتغال و مشارکت در حوزه عمومی قدرت نقد و انتقاد پیدا کرده و نسبت به عدم تناسب حقوق خود در برابر تکالیف و نابرابری اعتراض می کنند. اشتغال باعث رد وابستگی اقتصادی (عامل سلطه پذیری زن) و کسب استقلال زن می شود. زنان متوجه شدند که با استقلال می توانند از وابستگی مردان رهایی یابند. پس اشتغال از نظر آنها خیلی مهم است اشتغال عامل ارتقاء زنان در حوزه عمومی و عامل آگاهی و چالشگری زنان نسبت به حقوق و شرایط زندگی نابرابر است.

مشارکت کنندگان در تحقیق بر آن بوده اند که زنان خواهان تقسیم کار مشارکتی و بازنگری در ساختار خانواده هستند از نظر این زنان اندیشمند، ساختار خانواده در ایران پدرسالار است. تقسیم کار آن اغلب سنتی است تا مذهبی. در نظام اسلامی ضمن در نظر گرفتن تفاوت جنسی در تقسیم کار تقسیم کار مشارکتی نیز مورد تأکید می باشد. زن در اسلام خدمت کار خانه نیست او ریحانه است. ولی فرهنگ سنتی پدرسالار در پوشش نام مذهب در خانواده استیلا یافته است. تعدیل تقسیم کار و بازنگری در الگوهای اجتماعی کردن دختران و پسران می تواند تقسیم کار سنتی که در خانه جریان است را تغییر دهد. به نظر مشارکت کنندگان زنان خواستار فرهنگ سازی و تغییر الگوی روابط سنتی و تصمیم گیری مشارکتی در خانواده و شکل گیری خانواده ی مشارکتی هستند. آن ها ساختار مرد سالارانه را رد می کنند.

از نظر مصاحبه شونده ها پابندی به خانواده هنوز از ارزش های مهم زنان است هرچند اهمیت آن کاهش یافته است. اطلاع رسان ها بر آنند که فرهنگ دینی و حقوق اسلامی بین زنان ایران از اهمیت بر خوردار است. از نظر زنان فرهیخته مورد مصاحبه ارزش های مادری در بین زنان کم رنگ شده است. خانه داری نیز اهمیت سابق خود را ندارد و چه بسا از نظر برخی از زنان استثمار به حساب آید.

تغییرات و تحولات در زندگی زنان در عصر جدید بر خاسته از اشتغال و تحصیلات و کسب اطلاعات جدید است که دنیای مدرن با همه پیامد های منفی اما با خصلت باز اندیشانه خود در زندگی زنان ایجاد کرده است. زنان با کسب آگاهی و مشارکت در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی فرصت بازاندیشی در شرایط خود را به دست آورده اند و ارزش و نگرش آنان نسبت به زندگی اجتماعی دچار تحول شده است. حاصل این بازاندیشی تغییر نظام فکری و ارزشی زنان، رد مردسالاری و فرودستی زنان، رد تفکیک نقش مذهبی، رد نگاه سنتی و مدرن به زن، تغییر الگوی روابط قدرت، تغییر و جابجایی نقش های جنسی، نگرش (ذهنی) سوء به قانون، حضور اجتماعی زن، شیوع اندیشه تساوی گرا و پیشرفت فرهنگی و معنوی، رد فمینیسم افراطی، مادیگرایی، لذت جویی و خود خواهی، نقش زن در مدیریت خانواده، اهمیت رابطه ناب با همسر، خودشکوفایی، استقلال مادی، زیاده خواهی، ترکیب نقش، ابراز هویت، افزایش سن ازدواج و مادر شدن، غرب زدگی، رد تعدد زوجات، ورود به ارتباطات جهانی، مهریه بالا، بهبود وضعیت زنان است.



جدول شماره 2- ارزش های سنتی و مدرن زنان در مصاحبه

ارزش های سنتی	ارزش های مدرن
کم اهمیتی تحصیل	اهمیت تحصیل و افزایش آگاهی
کم اهمیتی اشتغال بیرون از خانه	اهمیت اشتغال بیرون از خانه
اهمیت نقش های جنسیتی (خانواده گرای و مادری)	تقسیم کار مشارکتی
تقسیم کار سنتی	تصمیم گیری مشارکتی
مردسالاری	رد ساختار مرد سالارانه
اهمیت خانواده	اهمیت خانواده کاهش اهمیت خانواد
اهمیت فرهنگ دینی	اهمیت فرهنگ دینی
اهمیت حقوق اسلامی	اهمیت حقوق اسلامی
اهمیت مادری	کم رنگ شدن مادری
اهمیت خانه داری	استثماری بودن خانه داری
خانواده استبدادی	خانواده ی مشارکتی
زن فرمانبردار	رد فرو دستی زنان
تفکیک نقش مذهبی(ولایت شوهر...)	رد تفکیک نقش مذهبی
رد فمینیسم	رد فمینیسم افراطی
قناعت گرایی	مادیگرایی
ایثار و فداکاری	لذت جویی و خوشگذرانی و خود خواهی
مدیریت و ریاست مرد	نقش زن در مدیریت خانواده
رابطه مصلحت گونه با همسر	اهمیت رابطه ناب با همسر
خانواده شکوفایی	خودشکوفایی
وابستگی	استقلال مادی
ایثار	زیاده خواهی
قانع	ترکیب نقش
جنس دوم با هویت وابسته	ابراز هویت
ازدواج در سن پایین و زود مادر شدن	افزایش سن ازدواج و مادر شدن
سبک زندگی سنتی و مذهب سنتی	سبک زندگی غربی
پذیرش اجباری تعدد زوجات	رد تعدد زوجات
جهان اجتماعی بسته	ورود به ارتباطات جهانی
مهریه کم ارزش	مهریه بالا
نا آگاهی از وضعیت	بهبود وضعیت زنان

در کل با مقوله بندی ارزش های حاصل از مطالعه، در آغاز دهه 90 زنان دارای ارزش های مشارکتی و ارزش های مربوط به باز نگری در ساختار خانواده از قبیل مدیریت مشارکتی خانواده، تقسیم کار مشارکتی، تصمیم گیری مشارکتی، رد فرودستی زنان، رد ساختار مرد سالارانه، ترکیب نقش، رد تفکیک نقش مذهبی و استقلال مادی هستند. آن ها دارای ارزش های اقتصادی از قبیل مادیگرایی، اهمیت اشتغال بیرون از خانه، مهریه بالا و زیاده خواهی می باشند. ارزش های خوشگذرانی و فرد گرایی همچون لذت جویی نیز از دیگر ارزش های زنان در این مطالعه بوده است. ارزش های عقلانی از قبیل تحصیل،





اهمیت فرهنگ دینی و اهمیت حقوق اسلامی است. ارزش های توجه به خود همچون افزایش سن ازدواج، افزایش سن مادر شدن، خود شکوفایی از ارزش های دیگر زنان در آغاز دهه 90 است و ارزش های تعاملی از قبیل تک همسری، رابطه ناب و ورود به ارتباطات جهانی نیز از ارزش های زنان این دوره محسوب می شود.

جدول شماره 3- مقوله بندی ارزش های زنان در مصاحبه

تک همسری رابطه ناب	ارزش های تعاملی	بازاندیشی در ساختار خانواده	ارزش های اجتماعی
مدیریت مشارکتی خانواده	ارزش های مشارکتی	بازاندیشی در ساختار روابط اجتماعی	
تقسیم کار مشارکتی			
تصمیم گیری مشارکتی			
رد فرودستی زنان مهربه بالا			
رد ساختار مرد سالارانه			
ترکیب نقش			
رد تفکیک نقش مذهبی			
استقلال مادی			
افزایش سن ازدواج	ارزش های توجه به خود	خود شکوفایی	ارزش های مربوط به خود
افزایش سن مادر شدن			
جراحی زیبایی			
رعایت تعارفات و قید و بندهای تحمیل شده فرهنگ جامعه			
دغدغه بهبود زندگی انسان ها			
مادیگرایی		ارزش های اقتصادی	
اهمیت اشتغال بیرون از خانه			
لذت جویی	ارزش های خوشی		
خوشگذرانی			
کم اهمیتی مادر شدن			
کم اهمیتی خانه داری			
تحصیل	ارزش های عقلانی		
اهمیت فرهنگ دینی			
اهمیت حقوق اسلامی			
ورود به ارتباطات جهانی			

#### نتیجه گیری

تغییر ارزش های زنان از دوره قاجاریه آغاز شده و از دوره پهلوی سرعت گرفت که همچنان در دوره جمهوری اسلامی نیز ادامه دارد. در دوره قاجاریه و پهلوی به سبب محدودیت زنان در زندگی سنتی که این محدودیت از مذهب نیز پوشش می گرفت، زنان تحصیلکرده و نخبه جامعه را به سوی فرهنگ غرب سوق داد که ظاهراً آزادی بیشتری برای زنان در پی داشت. در دهه 40 و 50 زنان نسبت به اسثمار جنسیتی خود در قالب فرهنگ غرب آگاهی یافتند که باسوگیری سکولار و مذهبی ارزش های



خود را مورد بازبینی قرار دادند. با پیروزی انقلاب اسلامی جریان مذهبی و برای مدتی جریان سنتی مذهب بر زندگی زنان حاکم شد و سپس جریان تغییر ارزشی باز در قالب سکولار و مذهبی همچنان ادامه دارد. زنان در مطالعه 1391 دارای ارزش های ارزش های مشارکتی و ارزش های مربوط به باز نگری در ساختار خانواده و ارزش های اقتصادی و ارزش های تفریحی و سرگرمی و ارزش های عقلانی و همچنین ارزش های توجه به خود و ارزش های تعاملی جدید هستند. برخی از ارزش ها از قبیل مادری و خانه داری و از نظر زنان اندیشمند هنوز برایشان دارای اهمیت بالایی است آن ها اشتغال بیرون از خانه را نیز مهم می دانند و بیشتر به دنبال ترکیب نقش هستند و در این راه خواهان کاهش ساعات کاری زنان اند تا بتوانند با ترکیب نقش حمایت عاطفی بیشتری برای شوهر و فرزندان خود داشته باشند. چیزی که نگران کننده است این است که این زنان معتقد بودند دختران و زنان جوان ما اهمیت بیشتری به اشتغال بیرون از خانه می دهند و مادری و خانواده برای این زنان کم رنگ تر می شود.. با توجه به تفاوت های بین زنان و مردان از نظر زیستی و روحی و روانی آن ها، هرکدام دارای نقش طبیعی مربوط به خود هستند و باید بین نقش طبیعی زنان به عنوان مادر و همسر و نقش اجتماعی آن ها هماهنگی به وجود آید تا زنان برای رهایی از تفریط گذشته به دامن افراط گرفتار نشوند.



منابع و مأخذ

ایروانی، (1384)

پایدار، پروین ، (1380)، «زنان و عصر تمدن بزرگ»، فصل نامه فرهنگی اجتماعی گفتگو، تابستان.

تکمیل همایون ، ناصر، ( 7912 ) بررسی موقع و منزلت زن در تاریخ ایران ، ، مجله فرهنگ و زندگی، شماره 70\_71.

جاراللهی، عذرا، ( 7917 ) «تاریخچه اشتغال زن در ایران» فصلنامه علوم اجتماعی ، شماره 9-2، زمستان 7917 و بهار 7917

جلائی پور، حمید رضا، (7971) «چهار ارزیابی جامعه شناختی از موقعیت زنان ایران (7912-7972)» فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی ، سال پنجم شماره 77.

زاهد ، سعید، خواجه نوری بیژن، (7977) «بررسی و تحلیل اجمالی نقش اجتماعی زنان در تاریخ ایران» فرهنگ 27.

زمانی، فریبا، (7977) «تفاوت تبعیض جنسی و جنسیتی و تأثیر آن در تحولات اجتماعی» فرهنگ 10 تابستان.

شادی طلب، ژاله، (7970) «زنان ایران مطالبات و انتظارات» نامه علوم اجتماعی ، شماره 77 پاییز و زمستان.

ماشینی، فریده ( 7971 ) «موقعیت زنان ایران سی سال پس از انقلاب» *نشریه: علوم اجتماعی « آیین » بهمن و اسفند 1387 - شماره 19 و 20*

مومنی فاطمه (5831) «بانوان در تاریخ معاصر» ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، سال پنجم شماره 48، شهریور.

Majid Mohammadi " (7002) Iranian Women and the Civil Rights Movement in Iran: Feminism Interacted" *Journal of International Women's Studies Vol. 9 #1 November*

Mahdi. Ali Akbar (2004), "The Iranian Women's Movement: A Century Long Struggle" *The muslim world, volume 94 , October.*

Paidar, Parvin, (1997), " Women and Political in twentieth- century Iran" *Cambridge University Middle east Studies.*

Women in Contemporary History (review changes in cultural values, social and political women in contemporary history)